



سلام زیجی

مردم دیدار و گفتگو کردند.
روز ۱۴ ژوئیه (جولای) واحدهی
گارد آزادی به منظور دیدار و گفتگو
با مردم به قصد کنترل بخشی از
مسیر جاده سقز بانه حرکت کردند.
ساعت ۹ بعد از ظهر با یک واحد از
نیروهای سرکوبگر رژیم که از روستای
"میرده" اعزام شده بودند، مواجه
شدند که با صفحه ۲

گزارش خبری سلام زیجی در موردگشت سیاسی واحدهای گارد آزادی در منطقه سقز و بانه

واحدهای گارد آزادی از تاریخ ۷ تا
۱۹ ژوئیه ۲۰۰۴ در روستاهای
انجیله، دوسینه، و در روستای میک،
پیرومران، قباغ لوجه، بیاندره، در
حومه بانه و سقز با تعدادی از

رهبران کمونیست در میان مردم

سلام زیجی عضو مشاور کمیته
مرکزی و عضو کمیته کردستان
حزب به همراه واحدهای همراه و
تحت حفاظت حزب به مدت دو هفته
در حومه شهرهای سقز و بانه حضور
پیدا کرد و مورد استقبال گرم مردم
قرار گرفت. صفحه ۲



اساس سوسیالیسم
انسان است.

سوسیالیسم جنبش
باز گرداندن اختیار
به انسان است.

منصور حکمت

پیام رحمان حسین زاده



رحمان حسین زاده

حضور رهبران کمونیست در میان مردم تعرضی دیگر به رژیم اسلامی

حضور سلام زیجی عضو مشاور
کمیته مرکزی حزب کمونیست
کارگری ایران و عضو کمیته

کردستان حزب، همراه رفقای همراه
تحت حفاظت حزب کمونیست
کارگری در حومه شهرهای سقز و
بانه، از تاریخ ۱۶ تا ۲۹ تیر ماه
۱۳۸۳ با موفقیت به پایان رسید.
این حرکت امتداد سیاست حضور
رهبران کمونیست در میان مردم، که
یکی از پروژههای منصور حکمت
عزیز است، که طی چند سال گذشته
با حضور مجید حسینی، عبدالله
دارابی و مظفر محمدی، از رهبری
حزب کمونیست کارگری و تعداد
قابل توجهی از

مصاحبه با
منصور حکمت
در باره
شعار فدرالیسم
صفحه ۳

درگذشت
مادری مقاوم،
درگذشت
قهرمانی در
نبرد زندگی
صفحه ۲

اطلاعیه های کمیته سردشت و کامیاران حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: 0046739555085

چهارشنبه ها منتشر میشود

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر، ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹
بوقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت:

www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال:
سیاوش دانشور

رهبران کمونیست در میان مردم

(ادامه از صفحه اول)

پروژه رهبران کمونیست در میان مردم اینبار در حومه شهرهای سقز و بانه اجرا شد. در پنج سال گذشته عبدالله دارابی و مجید حسینی از اعضای رهبری حزب چندبار در شهر مریوان و حومه حضور پیدا کردند و در گردهمایی‌ها و تجمعات مردم سخنرانی کردند. سال گذشته مظفر محمدی با واحدهای همراه در تفریحگاه بزرگ سنندج در میان مردم حضور یافت و به سخنرانی و بحث با مردم پرداخت. پروژه حضور کادرهای محبوب و شناخته شده حزب در شهرها و حومه شهرهای کردستان با استقبال گرم مردم رویرو بوده است.

حضور سلام زیجی کادر شناخته شده و عضو مشاور کمیته مرکزی و عضو کمیته کردستان حزب و واحدهای حفاظت حزب در حومه شهرهای سقز و بانه گام دیگری در راستای این سیاست حزب بود و با موفقیت به اجرا درآمد. این پروژه از ۱۶ تیرماه (۶ ژوئیه) شروع شد و روز ۲۹ تیر (۱۹ ژوئیه) به اتمام رسید. سلام زیجی در جمعهای مختلف مردم حاضر شد، به بحث و تبادل نظر در مورد اوضاع

انعکاس قابل توجهی در منطقه داشته است. این حرکت با کاردانی و جسارت سلام زیجی و همراهان و با حمایت مردم با موفقیت اجرا شد.

در این حرکت عزیز عبدالله پور و قادر محمدپور و تعداد دیگری از اعضا و کادرهای حزب که به دلایل امنیتی از ذکر نام آنها خودداری میشود، سلام زیجی را همراهی میکردند. حضور چهره های شناخته شده حزب در میان مردم، قبل از هرچیز نشانه قدرت و نفوذ توده‌ی و رو برشد حزب در منطقه و ناتوانی و ضعف و زبونی حکومت اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری از سلام زیجی و رفقا عزیز عبدالله پور و قادر محمدپور و سایر رفقای که سلام زیجی را همراهی کردند و همچنین از مردم آزادیخواه منطقه که با کمک های بیدریغ خود این ماموریت را امکانتپذیر ساختند صمیمانه قدردانی میکند. جزئیات این پروژه در اطلاعیه بعدی به اطلاع خواهد رسید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ تیر ۱۳۸۳، ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۴

حضور سلام زیجی و همراهان

پیام رحمان حسین زاده

(ادامه از صفحه اول)

کادرا و اعضا و دوستان حزب کمونیست کارگری در شهرهای سنندج و مریوان با استقبال گرم مردم رویرو شد.

در ادامه این سیاست، این بار رهبران کمونیست و کادرها و اعضای حزب و دوستان آن در مناطق جدیدی ابراز وجود سیاسی و علنی کردند. در میان جمعهای وسیعی از مردم حضور سیاسی پیدا کردند، به پخش نشریات و پوسترهای منصور حکمت و حمید تقوایی و کورش مدرسی و دیگر شخصیتهای حزب پرداختند. جوانان و مردم مبارز منطقه با اشتیاق و شور و شوق از حضور آنها استقبال کردند.

بی تردید حضور سلام زیجی به همراه عزیز عبدالله پور و قادر محمود پور و تعدادی دیگر از اعضا و کادرهای حزب در حومه سقز و بانه تعرضی دیگر بر پیکر رژیم اسلامی است. حضور علنی حزب کمونیست کارگری در مناطق عمقی

درگذشت مادری مقاوم، درگذشت قهرمانی در نبرد زندگی

با تأسف فراوان خبر از دست دادن انسان بزرگوار و مبارز، فاطمه شیخ احمدی در روز چهارشنبه ۱۵ جولای در شهر سنندج را دریافت کردیم. انسانی قدرتمندی که داستان دست و پنجه نرم کردن او با سختیها و تلاطمات و تلخیها و غمهای طاقت فرسا، و مبارزه او در تلاش زندگی، علیه استبداد و برای سعادت و سرفرازی مردم محروم و در عشق به انساندوستی میتواند موضوع رمانهای عظیم حماسی و پرشکوهی باشد. مادری با قلبی بزرگ و روحیه ای ستایش انگیز که جمهوری اسلامی غم سنگین جان باختن دو فرزند جوان و انقلابییش، رفقا صالح و عطا مفاخری زندگیش را با سرکوب و تحقیر و تبعید و زندان بر او سنگین تر کرد و او، اما، تا آخرین لحظات زندگی عظیم و پربارش، قوت قلب صدها مادر و پدر و خواهر و برادر و بستگان و دوستان دیگر قربانیان رژیم جنایتکار اسلامی باقی ماند و استاد زندگی و ستون عاطفی اعتماد به نفس در نبرد انسانیت برای آزادی تحت هر دو رژیم سلطنتی و اسلامی

کردستان با حمایت وسیع مردم در شرایطی اجرا میشود که رژیم اسلامی به قصد ارباب جامعه بساط اعدام و بگیر و ببند راه انداخته است. بی شک این حرکت به سهم خود مقابله ای با ارباب رژیم و در جهت تغییر تناسب قوا به نفع مبارزه مردم برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. در اینجا از جانب حزب کمونیست کارگری و تشکیلات کردستان آن از رفقا سلام زیجی و عزیز عبدالله پور و قادر محمود پور و دیگر رفقای که به دلایل امنیتی از ذکر نام آنها خودداری میکنم و همچنین از جوانان و مردم مبارز منطقه که با حمایت بی دریغ خود این حرکت را ممکن ساختند، صمیمانه قدردانی میکنم. مسلما این حرکت حلقه محکمی از تحکیم ارتباط و همدلی حزب کمونیست کارگری با مردم مبارز علیه جمهوری اسلامی و ایجاد امید و دلگرمی برای تحقق آزادی و برابری و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی است.

۳۰ تیر ۱۳۸۳

شد. کمتر کسی در سنندج در بین مبارزین و کمونیستهای این دورانها یافت میشود که از فداکی ها و از خود گذشتگی هی این مادر مبارز و دلسوز خاطرات شور انگیز و الهام بخشی نداشته باشد. همراه تمام آن هزاران انسان شرافتمند شهر سنندج که در مراسم این مادر عزیز شرکت کردند به خانواده و بازماندگان و دوستان این عزیزان و بویژه فرزندان او، علا و رحمت مفاخری صمیمانه تسلیت میگویم. فاطمه شیخ احمدی به نسل سازندگان واقعی تاریخ و قهرمانان گرانقدر تلاش بری انسانیت و همبستگی عاطفی بشر تعلق دارد. همینجا از طرف کمیته سنندج حزب کمونیست کارگری ایران از مردم شهر سنندج و مناطق اطراف که در مراسم خاکسپاری و گرامیداشت او شرکت کردند و یاد عزیزش را گرامی داشتند تشکر و قدردانی میکنیم. و بار دیگر به فرزندان او، بستگان و دوستان و آشنایانش تسلیت میگویم.

گرامی باد یاد عزیز مادر مقاوم فاطمه شیخ احمدی

کمیته سنندج حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ ژوئیه ۲۰۰۴

مصاحبه با منصور حکمت درباره شعار فدرالیسم: فدرالیسم شعاری ارتجاعی است

انترناسیونال: در بیانیه آمده است که طرح شعار فدرالیسم توسط برخی احزاب اباد انعکاسی از وجود چنین مطالبه ای در میان مردم نیست. در این صورت انتشار این بیانیه چه لزومی داشت؟

منصور حکمت: نه فقط شعار فدرالیسم جایی در ذهنیت و زندگی مردم ندارد، بلکه هویت قومی و قومپرستی بطور کلی هم در بین میلیونها مردم ساکن ایران محلی از اعراب ندارد. اما این متأسفانه برای مصون داشتن مردم از فجایع و تراژدی هایی که قوم پرستی و قوم پرستان میتوانند ببار بیاورند کافی نیست. به دنیای اطراف خود نگاه کنید و رویدادهای این دو سه دهه اخیر را مرور کنید. حکومت شرع و دولت آخوندی چه زمینه ای در ایران قرن بیستم داشت؟ ظاهراً هیچ. این مردمی بودند که هشتاد سال پیش تر مشروعه چپان را به روزی انداختند که میدانیم. آخوند یک قشر انگلی بی آبرو و اسباب مضحکه مردم در شهر و ده بود. دختران دو نسل قبل از ما بی حجاب مدرسه میرفتند. موسیقی و سینما جزء لاینجزی زندگی مردم بود. با اینحال، امروز در آن جامعه جنون الهی و جهالت دینی و جانوران اسلامی حکم میرانند. یوگسلاوی، یک جامعه مدرن صنعتی و با هر استاندارد امروزی جامعه ای متمدن بود. یوگسلاوها از این صحبت میکنند که چگونه قبل از این ماجراها قومیت و ملیتشان یادشان نبود. تصور چنین اوضاعی برایشان ممکن نبود. که هنوز هم باورشان نمیشود و نمیدانند چه شد که چنین شد.

اینکه قومیت و قوم پرستی در جامعه ایران ریشه و زمینه قوی ندارد و اینکه خواست فدرالیسم جایی میان مردم ندارد، به این معناست که روندها و جریانها و جنبشهای اصلی در جامعه به این

سمت سیر نمیکنند. اما سوال اینست که چقدر جامعه در برابر تحولات قوم پرستانه مصونیت دارد و چقدر از پیش در مقابل هجوم آتی این واپسگرایی و ارتجاع قومی آمادگی دفاع از خودش را دارد. بقول نادر بکتاش ناسیونالیسم و قوم پرستی مانند ویروسهایی هستند که در حالت خفته به حیات خودشان ادامه میدهند و تحت شرایط خاصی فعال میشوند و حتی گاه اپیدمی ایجاد میکنند. ناسیونالیسم و قوم پرستی در جامعه امروز ایران یک بیماری سیاسی - فرهنگی رایج نیست. اما نه ریشه کن شده و نه جامعه در برابر آن واکنش پیدا کرده است. وجود همین فدرالیست ها و جماعات عقب مانده ای که از هم اکنون در اوج وقاحت و سفاهت صدور شناسنامه های قومی برای مردم در ایران را شروع کرده اند، گواه این است که این ویروس ریشه کن نشده است و میتواند، بخصوص در یک شرایط متحول و متلاطم سیاسی، مصائب زیادی ببار بیاورد. صدور این بیانیه برای ایجاد آمادگی و مصونیت در جامعه است. صدور این بیانیه همچنین اعلام بی شبهه این واقعیت به ناسیونالیستها و قوم پرستان و ملیون و روشنفکران ناقص العقل پیرامونی شان است که کمونیسم کارگری قاطعانه جلوی این واپسگرایی مایاستد و این جماعات و این تمایلات ضد انسانی و ضد کارگری را میان مردم رسوا میکند. نمیشود مردم را بیست سال با مذهب اسیر کنند و بگویند و بعد بیست سال دیگر هم با قومیت و ملیت. ما اجازه نمیدهیم.

انترناسیونال: بیانیه ظهور شعار فدرالیسم را مستقیماً به مساله کرد ربط داده است. در این مورد توضیح بیشتری لازم است.

منصور حکمت: همانطور که گفتیم اسم گذاری ملی و قومی مردم،

تا چه رسد به کشمکشهای ملی و قومی میان بخشهای مختلف جامعه یک پدیده دیر پا، رایج و همه گیر در کشور نیست. واضح است که در فولکلور عقب مانده اقوام (هر قومی)، خودپسندی قومی و شوینیسیم و بیگانه ترسی و غیره هست. در همه کشورها، حتی در یکپارچه ترین "ملل" هم این هست، و ظاهراً تا وقتی سرمایه و سرمایه داری هست این نوع شکاف انداختن میان مردم هم باقی خواهد بود. ایران هم استثناء نیست. اما، هر ناظری که ریگی به کفش و دستور کار پنهانی دیگری نداشته باشد، ادعان میکند که جامعه ایران در چنگال کشمکش و عدم تحمل قومی و ملی عاجز شده باشد که حکیمی بخواند با نوشداری فدرالیسم سراغش بیاید.

وقتی دقت میکنید میبینید پیدا شدن سر و کله این مقوله در دور اخیر مستقیماً به مساله کرد و معاملات و مذاکرات حزب دموکرات با اپوزیسیون ملی مربوط میشود که به زعم دموکراتها فردا قرار است دولت مرکزی را در ایران بدست بگیرند. تمام مساله حزب دموکرات اینست که برچسب تجزیه طلب نخورد، بخصوص چون توحش ناسیونالیستهای عظمت طلب ایرانی و جنایاتی که حاضرند تحت لوای دفاع از "تمامیت ارضی" بکنند را میشناسد. خود حزب دموکرات لاجرم در صف مقدم "ایرانیت" و دفاع از "تمامیت ارضی" قرار گرفته است. وقتی عفت داداش پور در نشریه نيمروز از دبیرکل حزب دموکرات، آقای ملا عبدالله حسن زاده، نظرش را درباره موضع حزب کمونیست کارگری میپرسد (برسمیت شناسی حق جدایی کردستان، مراجعه به آراء خود مردم کردستان در یک فرماندوم بر سر جدایی یا باقی ماندن بعنوان شهروندان مستوای الحقوق در چهارچوب ایران)، جناب حسن زاده برآشفته میشود که: "خیر ما تجزیه طلب نیستیم" و برای اطمینان خاطر دولت مرکزی بعدی رمزبندی آتشینی را ما بعمل میآورد. حزب دموکرات خودمختاری میخواهد و به این نتیجه رسیده است که با تعمیم دادن خواست خود به کل کشور، با بدست دادن فرمولی که در آن

ناسیونالیسم کرد در برابر یک دولت ناسیونالیست مرکزی تک نباشد، بهتر به این نتیجه میرسد. فرمول فدرالیسم کمک میکند حزب دموکرات خودمختاری بخواد بدون اینکه کردستان موردی استثنایی تلقی شود. فدرالیسم یعنی "به همه ملل متشکله ایران" خودمختاری بدهید، از جمله به ملت کرد به رهبری حزب دموکرات. حال اگر بقیه مردم در ایران، و از جمله بخش وسیعی در خود کردستان لزوماً خود را با برچسب های قومی فارس و لر و گیلک و افغانی و کرد و عرب و بلوچ و ترکمن تعریف نمیکنند، چه باک.

در آنسوی این بده بستان ارتجاعی، جریانات ناسیونالیست ایرانی قرار دارند که خود را با مساله کرد روبرو میبینند و این را یکی از گره گاههای اصلی تثبیت حکومت آتی شان تلقی میکنند. اینها در شعار فدرالیسم دریچه ای برای لایوشانی مساله کرد، اجتناب از مراجعه به آراء خود مردم و بند و بست با حزب دموکرات میبینند.

منشاء بحث فدرالیسم محاسبات فرصت طلبانه و پا درهواي چند حزب سیاسی درباره مساله کرد است، این بخودی خود نه چندان نگران کننده است و نه پاسخگویی به آن از مجری تبلیغات روزمره کمونیستی و ضد ناسیونالیستی دشوار است. اما در کنار طرفین اصلی این بحث، که هرکدام منافع مادی شان را دنبال میکنند، مطابق معمول یک صف کامل از کسانی را پیدا میکنیم که میپندارند بنا به شغل شریف روشنفکری و مطبوعاتی، یا بنا به نیازهای گروه داری خود، باید حتماً بدون تعمق و بنا به مد روز چیزی بگویند و خود شیرینی کنند، و اینها به شهادت سرنوشت تلخ مردم یوگسلاوی و شوروی، خطرناک ترین عناصر در چنین شرایطی هستند. واقعا باور نکردنی است که کسی از پنجره خانه اش بازی بچه اش و بچه های همسایه را نگاه کند، سپس آهی بکشد و قلمش را دست بگیرد و جاهلانه مردم یک کشور ۶۰ میلیونی را به ۹ ملیت و ۱۳ قومیت و ۵ گروه زبانی و قس علیهذا تقسیم کند و نسخه بپیچد که اینها باید شهرها و محلات را مطابق جدول ایشان بین خود تقسیم

کنند و روبروی هم بایستند. اگر اینگونه افکار سفیهانه نتایجی اینچنین خونبار در پی نداشت، شاید حتی مایه خنده مستمعین میشد. اما اینها دانسته و ندانسته جاده صاف کن پاکسازی های قومی و اعداهای جمعی فردا هستند. اینها دارند علیه زندگی و جان آن بچه های بیرون پنجره توطئه میکنند و حساسیت مساله اینجاست.

این دنیای ۳۰ سال قبل نیست. انقلاب الکترونیک و انفورماتیک و پیدایش رسانه های سمعی و بصری جهانی، ژورنالیسم نوکر و مهندسی افکار را به یک فاکتور تعیین کننده در معادلات قدرت و سیر اوضاع سیاسی در کشورهای مختلف تبدیل کرده است. حتی ابلهانه ترین و دور از ذهن ترین تمایلات سیاسی و نسخه های اجتماعی، اگر در چهارچوب وسیع تر طبقاتی و جهانی بدر بخشهایی از طبقه حاکمه بخورد به موقع پر و بال داده میشود. و به اذهان مردم تحمیل میشود. مساله از محاسبات خرد حزب دموکرات و تتمه احزاب ملی و جمهوریخواه و آریامهری بسیار فراتر است. اینها بازبچه اند. ما باید کل بازی را غیر ممکن کنیم. این را هم بگویم که تا آنجا که به مساله کرد مربوط میشود این خود مردم کردستانند که باید در یک رفتارند آزاد درباره جدایی و یا باقی ماندن بعنوان شهروندان با حقوق برابر در چهارچوب ایران تصمیم بگیرند. فقط این تصمیم، هرچه که باشد، اصلیت و مشروعیست دارد. مساله کرد بر سر سهم گرفتن حزب دموکرات و سایر احزاب خودمختاری طلب در ساختار قدرت و سپرده شدن "حاکمیت کردستان" به آنها، از بالای سر مردم، نیست. بند و بست و مذاکرات و معاملات احزاب بر سر کردستان فاقد هر نوع مشروعیست است.

انترناسیونال: برخی سازمانهای چپ گفتند که حزب ما در مخاطراتی که در مقاله "سناریوی سیاه و سفید" بیان شده اغراق کرده است. فکر نمیکنید به این بیانیه هم چنین برخوردی بشود؟

منصور حکمت: بین خودمان باشد، من ضمن بیشترین احترام به تک تک اعضا و فعالین و رهبران خانواده

مصاحبه با منصور حکمت (ادامه از صفحه ۳)

چپ ضد سلطنتی و سنتی ایران بعنوان انسانهایی که بالاخره با هر زبانی خیر مردم زحمتکش را میخواهند، باید بگویم بعنوان احزاب و سازمانهای سیاسی نه اینها را سوسیالیست میدانم و نه باوری به قدرت تشخیص آنها و قابلیت آنها در ایفای نقش کارسازی در دنیای پس از جنگ سرد دارم. این یک طیف سپری شده و بی افق است. جوانان جبهه ملی و حزب توده اند که اکنون خود دیگر پیر شده اند. برخورد این طیف با این بیانییه فاکتور مهمی نیست. مهم تر شاید، برخورد بیانییه به آنهاست. اما بیانییه اصولا خطاب به اینها نیست. خطاب به مردم و بویژه به طبقه کارگر است، که به معنی اجتماعی و سیاسی و تاریخی این کلمات و شعارها توجه کنند و به دام ملی گرایی و قوم پرستی نیفتند، که برای مقابله با آن آماده باشند. بر

خلاف بحث سناریوی سیاه و سفید، ما اینجا تاکید کرده ایم که احتمال تحمیل شعار فدرالیسم به جامعه امروز ایران بسیار ضعیف است. بنابراین بحث اغراق بر سر سیر اوضاع عینی نیست. بحث بر سر کثافت نهفته در خود شعارها و تبیین های ملی و از جمله شعار فدرالیسم است. در این اساسا نمیشود اغراق کرد و هرچه گفته شود هنوز کم است.

انترناسیونال: آیا میشود گفت این شعار خصلت نمای احزاب و جریانات مطرح کننده آن است و به این اعتبار باید درباره آنها قضاوت کرد؟ آیا با این بیانییه نحوه برخورد و رابطه حزب با جریاناتی که مدافع فدرالیسم هستند تغییر میکند؟

منصور حکمت: بنظر من در سطح نظری میشود احزاب را بر مبنای این شعار قضاوت کرد.

همانطور که مذهبی بودن، شونیست ملی بودن، سلطنت طلب بودن و یا مخالفت با برابری زن و مرد، در متن تاریخ سیاسی معاصر ایران برای ارتجاعی نامیده شدن یک جریان کافی است، اعتقاد به صدور شناسنامه قومی برای مردم و تشکیل دولت مبتنی بر ملیت و قومیت نیز برای ارتجاعی خوانده شدن یک جریان کافی است. اگر سواقی هست اینست که آیا عمق کثافت شعار فدرالیسم و معانی ضد اجتماعی و ضد انسانی و ضد کارگری آن در سطح وسیع شناخته شده هست یا خیر. شاید هنوز خیر. این ایجاب میکند که بدو برای یک دوره تلاش کنیم این فرمول از برنامه و تبلیغات احزاب اپوزیسیون حذف بشود. البته واضح است که از هم اکنون هر جریانی را که آگاهانه و مصرانه از فدرالیسم و سازمان قومی جامعه دفاع کند باید یک جریان ارتجاعی به حساب آورد.

انترناسیونال: این بیانییه چه

پیشروی کارگر و کمونیسم کارگری را با علم کردن کشمکش ها و فجایع قومی سد کند و مردم را به روزی بیاندازد که در یوگسلاوی دیدیم. تبلیغات و آکسیونهای ما باید ظهور توجمان ها و ایزت بگوچ ها و کارادبیچ ها و ملادیچ ها و میلو سویچ ها و ژیرینفکسی های وطنی را غیر ممکن کند. در یک جمله، هم باید حضور ذهن مردم را بالا برد و هم به قوم پرستان و اسپانوسورهای فردایشان فهماند که با یک نیروی کمونیستی کارگری سازش ناپذیر و بدون توهم روبرو هستند.

اولین بار در خرداد ۱۳۷۵، ژوئن ۱۹۹۶، در شماره ۲۱ انترناسیونال منتشر شد. مجموعه آثار منصور حکمت جلد هشتم صفحات ۳۲۵ تا ۳۳۰ انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران، چاپ اول نوامبر ۱۹۹۷ سوند

اطلاعیه شماره ۲ کارخانه قالی بافی چین در کامیاران همه کارگران این کارخانه را اخراج کرد

کارگران این کارخانه که ۵۰ نفر بودند به دلیل "عدم سود آوری" توسط مدیریت آن اخراج شدند. به دنبال اخراج کارگران این کارخانه فروخته شد و دوباره کارگران تازه را به استخدام خود در آورده است. کارگران اخراجی علیه کارفرما و مدیریت این کارخانه شکایت کرده و خواهان بازگشت به کار و یا بیمه بیکاری شده اند. مقامات دولتی تا کنون هیچ جوابی به کارگران نداده اند.

کارگران مردم آزادیخواه!

در یک ماه اخیر بخش زیادی از کارگران نانوائی هی شهر کامیاران هم اخراج شدند. همچنانکه میدانید یکی از کارگرن به اسم احمد خورشیدی به دلیل بیکار شدن و عدم تامین زندگی دست به خودکشی زد و متأسفانه جانش را از دست داد. کارگران هر روز مورد حمله

کارفرمایان و سرمایه داران قرار دارند و دسته دسته اخراج میشوند. موج اخراج و بیکارسازی هر روز ابعاد وسیعتری پیدا میکند. در عین حال دولت در قبال زندگی کارگران خود را بی مسئولیت اعلام کرده و با همه توان از سرمایه داران دفاع میکند. اخراج کارگران از کار یک جنایت علیه جامعه کارگری ایران است با تمام قوا باید علیه این جنایت ایستاد. حزب کمونیست کارگری از خواست بازگشت به کار کارگران کارخانه چین و تامین بیمه بیکاری بری همه کارگران بیکارحمایت میکند. کارگران لازم است با شرکت خانواده هایشان مجمع عمومی تشکیل دهند و در مقابل ادارات دولتی تجمع کنند، و خواهان پیگیری مطالباتشان گردند. ما از همه کارگران و مردم کامیاران دعوت میکنیم که از خواست کارگران کارخانه چین حمایت کنند. با شرکت در جمعاعات آنها مبارزه کارگران را تقویت نمایند.

کمیته کامیاران حزب کمونیست کارگری ایران

تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸

ی میل:

asangaran@aol.com

اطلاعیه خبری کمیته سردشت ستهای ارتجاعی باز هم قربانی گرفتار

طبق خبر دریافتی روز چهارشنبه ۲۴ تیر ماه در شهر ربط از توابع سردشت دختر ۱۶ ساله ای بنام (هیرو بایزیدی) اقدام به خودسوزی نموده و با کمال تأسف در اثر جراحات شدید جان باخت. هیرو که به پسر جوانی دل بسته بوده مورد قهر و خشونت خانواده اش قرار گرفته و هنگامیکه وی حتی بمظور رهائی از فشارهای خانواده گی بحث ازدواج با پسر مورد علاقه اش را مطرح میکند بیش از پیش مورد فشار و تحقیر قرار میگردد تا اینکه در اثر یک نزاع با مادرش در همین رابطه دست به خودسوزی میزند

با پخش خبر، وی را جهت

مداوا و معالجه به ارومیه انتقال میدهند ولی متأسفانه قبل از اینکه دکتری به بسترش برسد هیروی جوان و زیبا جان میدهد و این دنیای خشن و دوزخ وار برای زنان را پشت سر میگذارد

هیروی مایوس حتی نزدیکترین کسان زندگی اش دست دردست جهل و خرافه و ارتجاع کرده و او را بسوی مرگی ناخواسته سوق میدهند این سرنوشت هیرو و هزاران هیروی جوانی است که در حاکمیت خفتبار اسلام و تقویت سنن پوسیده و ضد زن روزانه در جامعه ایران و کردستان قربانی میشوند و پدران و مادرائشان خواسته یا ناخواسته به ابزار وقوع این قتلها تبدیل شده و داغدار میباشند

کمیته سردشت تأسف عمیق خود را از مرگ هیرو بایزیدی ابراز داشته و با مردم ربط و بویژه با تمام آنانکه در سوگ مرگ هیرو سهیمند احساس همدردی می نماید

علی عبدالی

دیر کمیته سردشت حزب کمونیست کارگری ایران

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۸۱۶۱۸۵۷

dylan_abdali@hotmail.com

کمتر از سه ماه قبل دختر و پسر جوانی در سردشت قربانی همین ستهای ارتجاعی و ضد انسانی شدند و اقدام به